

مقاله پژوهشی

تحلیلی جامعه‌شناختی از سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه

جلیل کریمی^{*۱}

وکیل احمدی^۲

سیاوش قلی‌پور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

چکیده

چندین دهه است که وجود و اهمیت «سرمایه اجتماعی» در کنار سایر انواع سرمایه، در تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی شناخته شده است؛ مقاله حاضر حاصل کنکاشی پیمایشی در باب این شکل از سرمایه است که با ۴۵۰ مورد نمونه (واحد مشاهده و تحلیل شهروندان بالای ۱۸ سال) در سطح شهر کرمانشاه انجام شده است. الگوی نظری برگرفته از آرای صاحب‌نظران این حوزه از جمله، بوردیو، پاتنام، فوکویاما، کلمن و گرانووتر است. یافته‌های ما در ابعاد سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که در دو مؤلفه تعاملی درون‌گروهی و تمایل به مشارکت اجتماعی، میزان شاخص در سطح مناسب و بالاتر از سایر ابعاد است. سطح سایر ابعاد (تعاملی برون‌گروهی، اعتماد، مشارکت سازمان‌یافته و همیارانه) پایین‌تر بوده، نامناسب و حتی نگران‌کننده است. شاخص کل سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه در سطح متوسط قرار دارد. تفاوت‌هایی در ابعاد مختلف سرمایه، در کل شهر و بر حسب مناطق در نتایج وجود داشته است، اما نتیجه کلی بیانگر متوسط بودن سطح سرمایه در همه محلات شهر است. در بعد تبیینی، متغیر تحصیلات بیش از سایر متغیرها (قومیت، جنسیت، شغل) با سطح سرمایه اجتماعی کل همبستگی داشته است.

کلید واژه‌ها: اعتماد، تعامل، سرمایه اجتماعی، کرمانشاه، مشارکت.

۱- دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲- استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۳- استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

*: نویسنده مسئول

۱. بیان مسئله

در سایه چرخش فلسفی و نظری که در نیم قرن اخیر، با عناوین مختلف پسامدرنیسم، پساساختارگرایی و امثالهم به وقوع پیوست، تحولات واقعی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تغییراتی بنیادی در نظریه‌پردازی، به‌ویژه در علوم انسانی و اجتماعی صورت گرفته است. یکی از این تحولات، اهمیت یافتن مقولاتی اجتماعی بود که تا پیش از این دوره تنها در مقام متغیرهای روساختی و به عبارتی دست‌دوم به آن‌ها توجه می‌شد. در فضای پیش‌از این چرخش، هرگاه که سخن از جامعه می‌رفت بی‌درنگ از اقتصاد، در معنای ثروت مادی، به‌عنوان عامل اصلی فرایندهای اجتماعی اسم برده می‌شد، اما در این زمینه متأخر، به مقولاتی توجه شد که در عین غیرمادی بودن، تأثیرات و پیامدهای از جنس پیامدهای عوامل اقتصادی، به معنای متعارفش، داشتند. از جمله این موارد «سرمایه اجتماعی بود». هرچند می‌توان در آثار برخی متقدمان علوم اجتماعی، همچون دورکیم، مارکس، زیمل و وبر، نشانه‌هایی از توجه ضمنی یا آشکار به مفهوم یا مضمون سرمایه اجتماعی پیدا کرد، اما این نشانه‌ها هرگز مورد توجه خوانندگان و نظریه‌پردازان قرار نگرفت. آن ایده‌ها در چند دهه اخیر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت، پرورده و تغییر داده شد و امروز با عنوان نظریه سرمایه اجتماعی دارای جایگاه ویژه‌ای در علوم اجتماعی هستند.

براساس این آراء، اکنون می‌توان گفت که سرمایه‌های مادی بدون همراهی سرمایه‌های غیرمادی، به بهره‌وری لازم و کافی نخواهند رسید. سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در دادوستدهای اقتصادی دارد. از آنجا که اعتماد و شرکت در گروه‌های مختلف متغیر مهمی در حوزه اقتصاد است، اعتماد متقابل و اعتماد به نهادها نقش مؤثری در تسهیل امور و هنجارهای این عرصه دارد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷). اعتماد هزینه‌های مبادله را کاهش و عملکرد اقتصادی را بهبود می‌بخشد و هزینه‌های کنترل رسمی را کاهش می‌دهد. همچنین از طریق تأکید بر فعالیت‌های جمعی در رفع محرومیت‌زدایی و بالابردن توان اقتصادی جامعه مؤثر خواهد بود؛ البته این تأثیرگذاری، صرفاً در زمینه‌های اقتصادی محصور نیست. برای مثال، تاریخ چند دهه اخیر نشان داده است که یکی از موانع توسعه، مشارکت اندک مردم در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای بوده است. سرمایه اجتماعی می‌تواند با ایجاد زمینه‌های اعتماد در میان گروه‌ها و سازمان‌ها نقش مؤثری ایفاء کند. از منظر سیاسی، سرمایه اجتماعی که خود در بطن نهادهای مدنی و فضای باز سیاسی شکل می‌گیرد، می‌تواند زمینه‌ساز حکمرانی خوب شود؛ هزینه‌های امنیت را کاهش داده، توان عمل جمعی و همکاری نخبگان در گروه‌های سیاسی مختلف را

بالا برد. از منظر اجتماعی و فرهنگی، در جوامع چندفرهنگی چون ایران و شهر کرمانشاه، سرمایه اجتماعی مناسب، تحمل و رواداری اجتماعی را بالا برده و در افزایش و تحکیم همبستگی اجتماعی مؤثر خواهد افتاد. بدیهی است در صورت فقدان یا ضعف در میزان سرمایه اجتماعی، مقولات نامبرده در حوزه‌های مختلف برآورده نشده و بر مسائل موجود افزوده خواهد شد.

مقولاتی مانند سرمایه اجتماعی در جوامعی مانند ایران و از جمله در شهر کرمانشاه که دارای تنوع قومی، زبانی و فرهنگی هستند و در گیرودار بین سنت و مدرنیته، تمایلات و ارزش‌های سنتی به شدت در آن‌ها رواج دارد، هم اهمیت بیشتری می‌یابد و هم پیچیده‌تر می‌شود. اهمیت بیشتر، از این‌روست که در این شهر سرمایه اقتصادی در معنای متعارف آن به وضعیت انباشته و باثبات و دارای قابلیت بازتولید خود نرسیده و در این شرایط، همین ویژگی‌های سنتی که به صورت متعارف فاقد آثار اقتصادی تلقی شده‌اند، می‌توانند آن ضعف اقتصادی را تشدید کنند. پیچیدگی موضوع در این است که در این شرایط گذار، نه به صورت کامل به سنت‌های فرهنگی و اجتماعی پایبندی وجود دارد و نه الگوهای مدرن‌تر فرهنگی و اجتماعی جایگزین و «درونی» شده است؛ در این شرایط، ممکن است برآیند این دو نیرو در نهایت صفر شود. از این‌روست که توصیف و تحلیل سرمایه اجتماعی در این شهر به ضرورتی مهم بدل می‌شود.

مطالعات پیشین در باب سرمایه اجتماعی در کرمانشاه (جدول ۱)، اگرچه اندک بوده و در بیشتر موارد، بر یک گروه آماری خاص متمرکز بوده است، اما در مجموع بیانگر سطح پایین‌تر از متوسط سرمایه اجتماعی در این استان هستند. علاوه بر این نتایج پژوهشی، شواهد واقعی و نیز نتایج سایر مطالعات اجتماعی، در سطح شهر وجود دارد که بیانگر واقعیت‌های نهفته و آشکار اجتماعی مرتبط با سرمایه اجتماعی هستند: جدایی‌گزینی کالبدی در سطح شهر، جدایی‌گزینی فرهنگی و قومی، پایین بودن میزان اعتماد در بین گروه‌های مختلف و مشارکت اجتماعی اندک، نرخ بالاتر از میانگین کشوری در برخی بزه‌های اجتماعی، مهاجرت نخبگان از استان، حضور اندک افراد بومی در مناصب مدیریتی سطح اول، ضعف اعتمادبه‌نفس و خودآگاهی و در نتیجه خودکم‌بینی فرهنگی در بین بخش گسترده‌ای مردم و ... از جمله شاخص‌هایی هستند که به‌نحوی بیانگر ضعف سرمایه اجتماعی در این استان هستند.

در کنار واقعیت‌های اجتماعی مورد اشاره، مفهوم سرمایه اجتماعی، چندین سال است که نقل محافل و ابزار خودنمایی مدیران و تصمیم‌گیران است، درحالی‌که از گفته‌های آن‌ها

پیدااست که احتمالاً چند صفحه هم درباره این مقوله مطالعه نداشته‌اند و درکی جزئی از موضوع دارند. شاید یکی از عوامل این سطحی‌نگری تمرکز بیش از حد مقالات سرمایه اجتماعی بر روابط همبستگی و تبیین عوامل تأثیرگذار و نادیده گرفتن اهمیت توصیف همه واقعیت است. به همین دلایل، در کنار ضرورت اجتماعی مطالعات سرمایه اجتماعی، در این پژوهش بررسی توصیفی وضعیت سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه هدف اصلی ما بوده است. ما برآنیم که برای نخستین بار تصویری کامل از وضعیت این شاخص در شهر کرمانشاه ارائه کنیم، بنابراین بیشتر بر جزئیات این توصیف متمرکز بوده‌ایم و چندان به سنجش روابط همبستگی و نسبت‌های آماری و نیز الگوهای علت-معلولی موجود یا خودساخته نپرداخته‌ایم. این خودداری آگاهانه، ممکن است از نظر برخی جامعه‌شناسان محل اشکال باشد، اما ما معتقدیم ارائه توصیف و تصویر درست از جامعه در اولویت قرار دارد. این تصویر، حتی می‌تواند به مثابه شکلی از تاریخ اجتماعی در آینده، معتبر و تأمل‌برانگیز باشد. برای نیل به این هدف کلی، پرسش‌های^۱ زیر بررسی شده‌اند: وضعیت ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی، یعنی «تعاملات»، «اعتماد»، «مشارکت» و «هنجارها و ارزش‌ها» در سطح شهر و گروه‌های محله‌ای چگونه است؟ وضعیت سرمایه اجتماعی کلی در سطح شهر و محلات چگونه است؟ و چه نسبتی بین متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه اجتماعی وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

پیش از مطالعه حاضر، برخی پژوهش‌ها درباره مقوله سرمایه اجتماعی در استان کرمانشاه انجام گرفته است که مشخصات آن‌ها در جدول زیر آمده است. آنچه از این پیشینه برمی‌آید این است که تاکنون پژوهش مشخصی درباره سرمایه اجتماعی کل، به صورت شهری و محله‌ای و با تأکید بر کلیت این جامعه آماری صورت نگرفته است؛ مطالعات پیشین، هر کدام به صورت مشخص بر یک نمونه آماری خاص، مثل کارمندان، پرستاران و ... متمرکز بوده‌اند. در جدول شماره یک برخی از ویژگی‌های این مطالعات ارائه شده است.

۱. اهداف و فرضیات پژوهش در بطن همین پرسش‌هاست و برای رعایت ایجاز به آن‌ها اشاره نشده است.

جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهشی سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه

پژوهشگر	متغیر مستقل / وابسته	جامعه آماری / روش / حجم نمونه	یافته‌های اصلی در مقوله س.ا
رنانی و ... (۱۳۸۷)	سرمایه اجتماعی (اعتماد خاص و عام) / عملکرد اقتصادی	۲۸ استان / اسنادی / تمام‌شماری	همبستگی اعتماد و رشد اقتصادی، تأثیر بیشتر اعتماد عام، میزان پایین اعتماد خاص در کرمانشاه
قالیباف و ... (۱۳۸۷)	سرمایه اجتماعی / امنیت مرزی	نوسود / پیمایش / ۹۹ مورد	اعتماد عمومی و مشارکت محلی بالا
پاپزن و ... (۱۳۹۰)	دفاثر ICT / سرمایه اجتماعی	دو روستای گودین و قارلق در کنگاور / پیمایش / ۳۸۰ مورد	سطح متوسط سرمایه اجتماعی کل
علی بیگی و ... (۱۳۹۰)	سرمایه اجتماعی / رضامندی شغلی کشاورزان	شهرستان کرمانشاه / پیمایش / ۳۵۰ مورد	سطح متوسط سرمایه اجتماعی کل / وضعیت بهتر در بعد تعاملات و نامناسب‌تر در بخش نگرش‌ها
حقیقتیان و ... (۱۳۹۰)	سرمایه اجتماعی / رضایت شغلی	کارکنان اداره تعاون کرمانشاه / پیمایش / ۲۷۰ مورد	پایین بودن سرمایه اجتماعی کل / بعد اعتماد متوسط پایین / هنجارها متوسط / تعاملات متوسط بالا
مطلق و ... (۱۳۹۱)	سرمایه اجتماعی / رضایت شغلی	کارکنان اداره بهزیستی کرمانشاه / پیمایش / ۳۷۰ مورد	متوسط بودن سرمایه اجتماعی کل / اعتماد فردی متوسط، اعتماد عمومی و نهادی متوسط پایین، مشارکت متوسط بالا
حقیقتیان و ... (۱۳۹۲)	سرمایه اجتماعی / دیدگاه به توسعه شهری	ساکنان کرمانشاه / پیمایش / ۳۸۰ مورد	سطح متوسط بالا در س.ا کل / اعتماد بالا، انسجام، مشارکت، آگاهی و تعامل با متوسط بالا
بشهری و رزمی (۱۳۹۳)	ندارد / سرمایه اجتماعی	ایران / روش غیرمستقیم آماری / تمام‌شماری شهرها	کرمانشاه جزو سه شهر آخر در زمینه سرمایه اجتماعی (رتبه ۲۸ از ۳۰)
اردلان و ... (۱۳۹۴)	سرمایه اجتماعی / تعهد سازمانی	کارکنان دانشگاه رازی / پیمایش / ۲۰۳ مورد	سطح متوسط سرمایه اجتماعی کل
پژوهان (۱۳۹۴)	سرمایه اجتماعی / مدیریت دانش سازمانی	کارکنان بیمارستان امام علی کرمانشاه / پیمایش / ۱۵۵ مورد	سطح متوسط به بالای سرمایه اجتماعی کل
نوربخش و ... (۱۳۹۴)	سرمایه اجتماعی / امنیت	محله شاطرآباد / پیمایش / ۳۰۰ مورد	سطح متوسط تعاملات، مشارکت، اعتماد، آگاهی
رستگارخالد و ... (۱۳۹۵)	سرمایه اجتماعی / هویت ملی	افراد ۱۸-۲۹ س شهر کرمانشاه و جوانرود / پیمایش / ۲۵۰ مورد	بالاتر بودن سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در شهر کرمانشاه و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیشتر در جوانرود
حیدر خانی و ... (۱۳۹۶)	سرمایه اجتماعی / گرایش به اقتصاد مقاومتی	شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه / پیمایش / ۳۸۴ مورد	سرمایه اجتماعی بالاتر از متوسط، تأثیر مثبت بر گرایش به اقتصاد مقاومتی

همچنان که گفتیم بیشتر این مطالعات بر بخشی از جامعه مورد نظر مطالعه ما (شهر کرمانشاه) تأکید داشته‌اند؛ در دو مورد، مطالعه بشهری و رزمی (۱۳۹۳) و حیدرخانی و همکاران (۱۳۹۶)، جامعه آماری شامل کل جامعه است. باین حال از آنجا که پژوهش «بشهری و رزمی» به روش غیرمستقیم آماری انجام گرفته است، نمی‌توان به معنای جامعه‌شناختی و تجربی آن را دارای اعتبار و قابل اتکا تلقی کرد. به علاوه، در بیشتر موارد، مطالعات پیشین، بر بخش تبیینی و بررسی روابط آماری بین متغیرها متمرکز بوده‌اند و خود متغیر سرمایه اجتماعی در جزئیات و ابعاد آن یا بررسی نشده یا کم‌اهمیت تلقی شده و در مواردی، یک یا دو بعد از سرمایه اجتماعی نادیده گرفته شده است. به هر روی، دست‌کم در نسخه منتشر شده این پژوهش‌ها، هیچ‌کدام توصیف کاملی از سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه ارائه نکرده‌اند. از این روی، مطالعه حاضر در وهله اول توصیفی گسترده از سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه را در نظر داشته است.

فارغ از ارزیابی روش‌شناختی مطالعات فوق، با توجه به ستون‌های دوم و چهارم جدول بالا می‌توان گفت که در وهله اول، سرمایه اجتماعی، هم در مقام یک شاخص اجتماعی مستقل و هم در مقام یک متغیر وابسته، دارای نقش و اهمیت اجتماعی است. همان‌طور که از جدول برمی‌آید سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیری ایجابی در امنیت، مدیریت، تعهد سازمانی، رضایت‌مندی، تعلق اجتماعی و رشد اقتصادی داشته باشد و می‌دانیم این‌ها تنها فهرست کوتاهی از پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی است. در زمینه نتایج محوری مطالعات پیشین، می‌توان گفت که در مجموع، به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی در شهر و استان کرمانشاه (اگرچه با احتیاط، زیرا جامعه آماری مطالعات پیشین محدود بوده است) حتی در بین گروه‌های برخوردار جامعه نیز، چندان در سطح مناسبی نیست. این وضعیت در زمینه ابعاد سرمایه اجتماعی هم تقریباً مشاهده می‌شود. با توجه به ستون آخر جدول، به نظر می‌رسد فقط در بعد درون‌گروهی (تعامل و مشارکت) وضعیت سرمایه اجتماعی استان بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. خود این نکته قابل تأمل است که آیا پایین بودن ابعاد برون‌گروه و بالاتر بودن ابعاد درون‌گروه سرمایه اجتماعی، بیانگر نوعی تضاد و پارادکس اجتماعی نیست. آیا امکان منطقی و عملی تبدیل این دو بعد سرمایه به یکدیگر وجود دارد یا در برآیند کلی همدیگر را خنثی خواهند کرد؟ در بخش نتیجه‌گیری به این مباحث بیشتر پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری

مبحث سرمایه اجتماعی و شبکه اجتماعی، نخست در حدود صد سال پیش در مطالعات هانیفان در مورد مدارس ویرجینیای شمالی مطرح شد. این بحث تا دهه ۵۰ و ۶۰ مسکوت باقی ماند؛ اما در این زمان در مطالعات شهری، نظریه مبادله و سپس در حوزه اقتصاد مطرح شد. پس از آن، به سال ۱۹۶۰، جین جاکوب در اثر کلاسیک خود، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، مفاهیم شبکه روابط اجتماعی و اعتماد میان مردم و نهادهای رسمی را به کار گرفت. در چند دهه اخیر نظریه سرمایه اجتماعی توسعه و عمق پیدا کرده است. شمار این نظریه‌ها در این مجال نمی‌گنجد؛ در ادامه، پنج مورد از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح ارائه شده است، باین حال می‌توان به اسامی دیگری مثل، گیدنز، لین، وولکاک و ناریان، کاکس، بالن و اولیکس، پاکستون، ترنر و ... اشاره کرد.

بورديو: پیر بورديو چهار نوع سرمایه را مطرح کرد: اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین. به نظر وی «همچون سرمایه اقتصادی سایر انواع سرمایه هم نقش مهمی در پویایی اجتماعی بازی می‌کنند.» (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۹۷). تنها سرمایه اقتصادی نیست که باعث نابرابری در جامعه می‌شود. عضویت در یک گروه، موجد همبستگی است که این همبستگی به‌عنوان نفع حاصل از عضویت، موجبات دسترسی عامل اجتماعی به منافع خاص را تأمین می‌کند. «بدین‌سان حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به شیوه‌ای مؤثر بسیج کند و نیز وابسته است به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی یا نمادین) در تصرف کسانی که وی با آنان مرتبط است» (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۴۸). از نظر او، وجود این شبکه از پیوندها موهبتی ابدی نیست. «این شبکه محصول راهبردهای سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه، به قصد ایجاد یا بازتولید روابطی اجتماعی است که در کوتاه‌مدت یا درازمدت مستقیماً قابلیت استفاده دارند، یعنی تبدیل روابط تصادفی، نظیر مناسبات همسایگی و روابط در محل کار، یا حتی روابط خویشاوندی، به روابطی که به شیوه‌ای همزمان لازم و اختیاری‌اند و حامل تکالیف و تعهدات ماندگاری هستند که یا به شیوه‌ای ذهنی احساس می‌شوند (احساس حق‌شناسی، احترام، دوستی و غیره)، یا به شیوه‌ای نهادی (یعنی حقوق) تضمین می‌شوند» (همان: ۱۴۹).

عاملان اجتماعی براساس میزان بهره‌مندی از سرمایه کلی در اشکال متفاوت آن، از یک‌سو و از سوی دیگر براساس ساختار سرمایه‌شان، یعنی براساس ارزش نسبی انواع سرمایه (اقتصادی و فرهنگی) تحت مالکیت، جایگاه ویژه‌ای را در فضای اجتماعی اشغال می‌کنند (بورديو، ۱۳۸۰).

۳۳). بورديو نماينده رويکرد فرهنگي در مطالعه سرمايه اجتماعي است. وي بر اين عقیده است که ارتباطات و تعاملات اجتماعي، سرمايه را به مثابه يک ميدان اجتماعي و رواني که به صورت بين‌الذهاني نسبت به آن آگاهی وجود دارد، مطرح می‌کند. به اين معنی در شکل‌گیری سرمايه اجتماعي علاوه بر ساخت‌های اجتماعي، افراد و ميدان رواني آنها نیز تعيين‌کننده است. به همين علت، سرمايه اجتماعي عامل مهمی در انتقال هنجارها و ارزش‌ها قلمداد می‌شود. به بيان بورديو «بازتوليد سرمايه اجتماعي اقدام بی‌وقفه برای جامعه‌پذيري را مسلم می‌سازد؛ زنجيره پيوسته‌ای از مبادلات که در آنها، شناخت به شيوه‌ای پايان‌ناپذيري تصديق و بازتصديق می‌شود» (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

به نظر بورديو، سرمايه اجتماعي شدیداً متأثر از شبکه‌های اجتماعي است. شبکه‌های اجتماعي متشکل از مجموعه‌های انساني هستند که حول اهداف معين و نيازهای مشترک با هم روابط مستقيم و تأثيرگذاري دارند. افراد جامعه با برقراري و تماس به همکاري با يکديگر می‌پردازند و به اين طريق چيزهایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به کسب آن نيستند و يا به دشواري موفق به کسب آن می‌شوند. آنها از طريق شبکه‌های اجتماعي به هم وصل می‌شوند و ارزش‌های مشترکی را در اين زمينه پيدا می‌کنند. از طريق اين شبکه‌ها صاحب نوعی دارايی می‌شوند که می‌توان آن را سرمايه اجتماعي ناميد. مهم‌ترين عامل در اين شبکه‌ها روابط برابر است و اغلب سلسله‌مراتب در آنها به صورت افقي است. البته اين امر بدان معنا نيست که نفوذ همه آنها يکسان است و يا رقابتي بين آنان وجود ندارد. گاهی سرمايه اجتماعي يک گروه در دست يک نفر و يا چند نفر محدود متمرکز و نهادينه می‌شود. چه بسا که اين فرد نيز از موقعيت خود به ضرر گروه سوءاستفاده کند. (بورديو، ۱۳۸۴).

سرمايه اجتماعي محدود به يک گروه خاص نيست. بلکه برحسب شرايط و برحسب شبکه‌ای که در آن شکل می‌گيرد، متفاوت است. گاهی اين اثرات به ضرر جامعه و گاهی به نفع جامعه است. بايد ميان دو نوع سرمايه، يعنی «سرمايه اجتماعي درون‌گروهي» و «سرمايه اجتماعي ميان‌گروهي» تفاوت قائل شد. مورد اول مانعی برای مشارکت اجتماعي است، زيرا همه‌چيز را فقط برای يک گروه خاص می‌خواهد؛ اما مورد دوم به نوعی از سرمايه اشاره دارد که براساس آن اعضای يک گروه به ديگر گروه‌های اجتماعي اعتماد دارند (Portes, 1998). هر چه ميزان اين سرمايه بيشتر باشد توافقات اجتماعي و همبستگي کلي جامعه بالاتر خواهد رفت؛ زيرا با افزايش اعتماد در جامعه ميزان همکاري‌ها بيشتر خواهد شد و حتی در شرايط اقتصادي آنها تأثير مطلوب خواهد گذاشت.

گلمن: جیمز کلمن جامعه‌شناس آمریکایی و طرفدار نظریه کنش عقلانی، سرمایه اجتماعی را براساس کارکرد آن تعریف می‌کند، سازمان اجتماعی را پدیدآورنده سرمایه اجتماعی می‌داند و اشکال مختلف آن را واجد دو ویژگی اساسی معرفی می‌کند: الف) سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از ساختار اجتماعی است. به این معنی که «کالای عمومی است و به همین دلیل کم‌تر از حد کفایت در آن سرمایه‌گذاری می‌شود» (کلمن، ۱۳۸۴: ۷۴)؛ ب) سرمایه اجتماعی کنش‌های افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کند. به این معنی که امری قابل تملک و پدیده‌ای قابل مشاهده نیست، بلکه در فضای ارتباطی بین افراد موجود بوده و ما قادر هستیم که آثار آن را همانند تسهیل تعامل بین افراد و کاهش هزینه و زمان صرف شده برای نیل به اهداف مشاهده کنیم.

کلمن بین سه نوع سرمایه تفاوت قابل می‌شود: فیزیکی، انسانی و اجتماعی. سرمایه فیزیکی به منابع مادی عینی و ملموس اطلاق می‌شود. سرمایه انسانی در ارتباط با دانش‌ها و مهارت‌هایی است که افراد یاد می‌گیرند و عینیت کمتری نسبت به سرمایه فیزیکی دارد. سرمایه اجتماعی که اصولاً با روابط اجتماعی می‌پردازد و مشهود و ملموس نیست، با ابعاد زیر مشخص می‌شود:

الف) تعهدات و انتظارات: در اینجا سخن از سطح قابل اعتماد بودن محیط اجتماعی، بازپرداخت تعهدها و میزان واقعی تعهد است. هر چه افراد کارهای بیشتری را انجام دهند، تعهد بیشتری در طرف مقابل برای جبران و بازپرداخت آن‌ها ایجاد می‌کند. بالا بودن سطح تعهدات پرداخت‌نشده بین مردم، می‌تواند نشان‌دهنده روابط مستحکم و پایدار میان آن‌ها باشد. این امر خود لازمه شکل‌گیری و انباشت سرمایه اجتماعی است. میزان فراوانی امکانات و گشایش اقتصادی و دخالت دولت در ارائه خدمات و بازپرداخت تعهدها از مجرای دولت و نه جامعه مدنی می‌تواند باعث پایین آمدن سطح تولید سرمایه اجتماعی در جامعه شود.

ب) ظرفیت بالقوه اطلاعات: اطلاعات، جزء ذاتی روابط اجتماعی است و در کنش اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. درعین حال، دسترسی به اطلاعات، پرهزینه است. یکی از کانال‌های کسب اطلاعات با کمترین هزینه، استفاده از روابط اجتماعی است که برای اهداف دیگری به وجود آمده‌اند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۴).

ج) هنجارها و ضمانت اجرایی مؤثر: هنجارهای مؤثر در قالب و شکل قواعد دستوری به شکل بسیار مؤثری به ظهور سرمایه اجتماعی می‌انجامد و فرد تحت نفوذ نیروی این هنجارها به‌ناچار

باید منافع شخصی را رها کند و به سود جمع عمل کند. با افزایش این هنجارها میزان جرم هم پایین می‌آید.

(د) **روابط اقتدار:** فردی که حق کنترل فرد یا افرادی را داراست از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار است.

(ه) **سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر:** سازمانی که برای هدف خاصی ایجاد شده، با بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی تحت شرایط ویژه می‌تواند راه رسیدن به اهداف دیگر را نیز هموار کند. هر سامان خاصی روابط اجتماعی معمولاً دو محصول فرعی ایجاد می‌کند: نخست آنی که منافعی برای اهداف دیگر قابل بهره‌برداری است. دوم، آن که منفعت عمومی تولید می‌کند. منافعی که در دسترس دیگرانی قرار می‌گیرد که ممکن است در ایجاد آن مشارکتی نداشته باشند. سازمان‌های داوطلبانه مثال خوبی در این زمینه محسوب می‌شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۸).

(و) **سازمان تعمدی:** در این نوع از سازمان، سعی می‌شود سرمایه اجتماعی به صورت محصول مستقیم ایجاد سازمان در دسترس قرار گیرد. نمونه برجسته‌ی این‌گونه، سازمان سوداگری است که صاحبان سرمایه مالی به منظور کسب درآمد آن را تأسیس می‌کنند. سازمان‌های داوطلبانه‌ای نظیر انجمن اولیا و مربیان، با هدف ایجاد منفعت عمومی، از این‌گونه هستند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۸۵).

پاتنام: رابرت پاتنام به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی، دموکراسی و توسعه‌ی اقتصادی پرداخت (پاتنام، ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی با تعریف پاتنام، «به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی، از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که با تسهیل کنش‌های تعاونی، قادرند کارایی جامعه را بهبود بخشند» (پاتنام، در فیلد، ۱۳۸۸: ۵۴)؛ بنابراین تعریف، سرمایه اجتماعی شامل سه مؤلفه است: ۱. شبکه‌های مشارکت مدنی، ۲. هنجارهای تعامل، ۳. اعتماد. هرچند این سه جزء ساختار اصلی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، ولی جدا از یکدیگر نیستند و به صورت متقابل، در فرآیندهای اجتماعی، یکدیگر را تقویت و بازتولید می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹). بنابراین، از دیدگاه وی، سرمایه اجتماعی چیزی بیش از جمع جبری عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن است (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۳). عدم وجود این عناصر نیز وضعیت نامناسب را تقویت و بازتولید می‌کند.

پاتنام بین دو نوع سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده (برون‌گروهی) و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تفاوت قائل می‌شود. «مورد اخیر هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده افراد متعلق به تقسیمات متنوع را کنار

هم قرار می‌دهد» (فیلد، ۱۳۸۸: ۵۶). با توجه به این موضوع، وی چهار حالت ممکن را پیش‌بینی کرده است:

جدول ۲: اشکال سرمایه اجتماعی در نظریه پاتنام

سطح مدارا	سرمایه اجتماعی پایین	سرمایه اجتماعی بالا
بالا	فردگرایی، هرکس هر چه می‌خواهد انجام دهد.	اجتماع مدنی
پایین پایین	هرج و مرج، جنگ همه علیه همه	اجتماع فرقه‌گرا

پاتنام، در بولینگ تنها (۲۰۰۰) چهار دلیل عمده را برای کاهش سرمایه ذکر می‌کند: الف) مشغولیت زیاد؛ فشارهای زمانی و اقتصادی که به‌ویژه در خانواده‌هایی که والدین هر دو شاغل‌اند، اثر کاهنده‌ای بر مشارکت اجتماعی زنان و مردان داشته است؛ از طرف دیگر، موضوع حضور زنان در بازار کار نیز مطرح است؛ ب) پراکنده‌نشینی: حومه‌نشینی شهری میزان زیادی از وقت افراد را می‌گیرد. به‌علاوه، حومه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌شود و همگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه برای مشارکت مدنی می‌شود و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط طبقاتی و نژادی محدود می‌شود. از همه مهم‌تر حومه‌نشینی باعث از بین بردن همبستگی درونی اجتماع می‌شود، زیرا زمان سفر از حومه به شهر و بالعکس تا حدود زیادی باعث افزایش جدایی بین محل کار و محل زندگی می‌شود؛ ج) سرگرمی‌های خانگی: از نظر پاتنام این متغیر بیش از دو مورد قبل بر کاهش سرمایه تأثیر دارد. کاربران افراطی تلویزیون و دیگر وسایل الکترونیکی سرگرم‌کننده به‌طور مسلم از جامعه خود جدا، منفعل و به آن کم‌علاقه می‌شوند؛ د) تغییر نسلی: نسل‌های جدید کمتر درگیر روابط اجتماعی رودررو هستند. پاتنام این عامل را مهم‌ترین عامل در کاهش سرمایه می‌داند، فرآیند آرام، مستمر و گریزناپذیر جایگزینی، نسل مدنی پیشین با فرزندان و نوه‌های کمتر مشارکت‌پذیر آنان، عامل کاهش سرمایه اجتماعی است.

پاتنام در بررسی‌های خود به بخش تاریک سرمایه اجتماعی نیز اشاره دارد و معتقد است که ترکیب نامتوازن دو بعد سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی، ممکن است باعث کاهش مدارای بین گروه‌ها و دسته‌های مختلف شود. در جدول زیر چهار حالت ممکن ارائه شده است.

فوکویاما: فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی را نشانه لیبرال دموکراسی پایدار و جزئی از فرهنگ جوامع مدرن می‌داند. از نظر وی، سرمایه اجتماعی هنجاری غیررسمی است که

همکاری بین دو یا چند نفر را تسهیل می‌کند. «چنین نیست که هر مجموعه‌ای از هنجارهایی با مصداق عینی، به تشکیل سرمایه اجتماعی بیانجامد، این هنجارها باید به ایجاد همکاری در گروه بیانجامد، بنابراین با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل‌اعتماد بودن در انجام وظیفه، روابط متقابل و نظایر این‌ها مرتبطاند» (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۶۹). شاید از همین رو است که او از «دین، ایدئولوژی و آموزش و پرورش» به‌عنوان منابع سرمایه اجتماعی یاد می‌کند. او مفهوم «شعاع اعتماد»^۱ را طرح تأکید می‌کند؛ یعنی این‌که افراد تا چه میزان به افرادی که شبیه آن‌ها نیستند اعتماد دارند. در صورت خاص‌گرایی، شعاع اعتماد محدود می‌شود که در آن دنیای اطراف به دو بخش خودی و غیرخودی تعریف می‌شود و تحت چنین شرایطی است که ابراز نفرت و خشونت پذیرفته شده و هنجار تلقی می‌شود. فوکویاما، وجود مشکلات اجتماعی را نیز نشانه‌ای حاکی از ضعف یا فقدان سرمایه اجتماعی در جامعه معرفی می‌کند. وی یکی از راه‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را مراجعه به آمارهای انحرافات و جرائم در جامعه می‌داند؛ همچنین، او بر آن است که سرمایه اجتماعی در همه‌اشکال خود واجد پیامدهای مثبت نیست. گاهی سرمایه اجتماعی یک گروه و انباشت آن به زیان سایر گروه‌ها یا افراد جامعه منتهی می‌شود (مثل گروه‌های مافیا). در صورتی‌که سرمایه اجتماعی گروه، به آثار اجتماعی مثبت بیانجامد، شعاع اعتماد از قلمرو گروه فراتر رفته و به سایر گروه‌ها و جامعه نیز تعلق می‌گیرد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۲). او براساس میزان سرمایه اجتماعی، جوامع مورد مطالعه خود را به دو گروه پراعتقاد (آلمان، ژاپن) و کم‌اعتماد (ایتالیا، تایوان) تقسیم می‌کند. به نظر وی میزان اعتماد افراد یک جامعه به یکدیگر از سویی بر مشارکت آن‌ها در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی و از سوی دیگر بر سطح توسعه آن جامعه تأثیرگذار است. به تعبیر او، «میزان اعتماد بیشتر در جامعه، اقتصاد کارا تر را به دنبال دارد» (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۴).

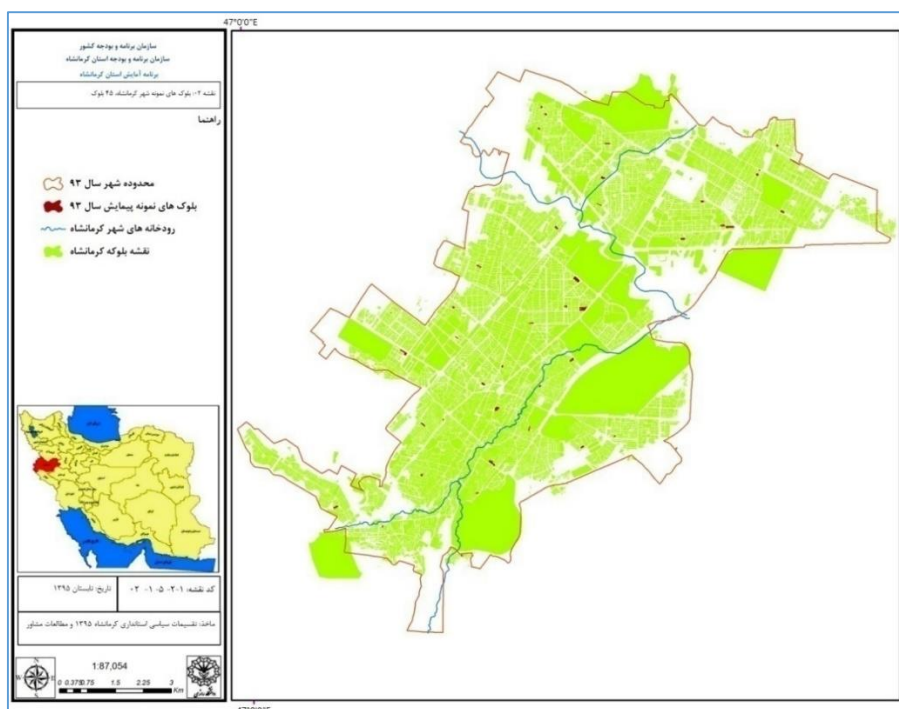
گرانووتر: گرانووتر کار خود را با نقد رویکردهای اقتصادی آغاز کرد. به نظر او «در تحلیل نظام‌های اقتصادی، باید سازمان اجتماعی و روابط اجتماعی را نه تنها به‌عنوان ساختاری که به‌طور خودکار به یک کارکرد اقتصادی جامه عمل می‌پوشاند، بلکه به منزله ساختاری برخوردار از تاریخ و استمرار که به آن تأثیری مستقل در انجام گرفتن کارکرد نظام‌های اقتصادی می‌دهد»، وارد تحلیل اجتماعی کرد (کلمن، ۱۳۸۴: ۴۷). از همین رو، در دیدگاه او «معاملات اقتصادی همچون پیمانکاری یا کاریابی، وقتی در شبکه‌های اجتماعی انجام گیرند، کارآمدتر

1. Radius of trust

هستند» (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۰۱). او تأکید می‌کند که «توسعه اقتصادی از طریق سازوکاری به وقوع می‌پیوندد که به افراد اجازه می‌دهد تا در ابتدا از مزیت عضویت در اجتماع خود بهره‌برداری کنند. همین سازوکار بعدها به ایشان امکان می‌دهد تا مهارت‌ها و منابع لازم برای مشارکت در شبکه‌هایی را اخذ کنند که از اجتماع آن‌ها فرا می‌گذرد و بدین ترتیب به تدریج به بدنه و جریان اصلی اقتصادی می‌پیوندند» (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۴۰). از نظر او، پیوندهای اجتماعی ضعیف، با سرمایه اجتماعی مرتبط است. براساس این نظریه، «هر چه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و بالعکس هر چه شدت و استحکام این روابط ضعیف‌تر باشد نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است» (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱: ۸). این ایده به ساختار شبکه‌ها مربوط است؛ زیرا هرچه این روابط نیرومندتر باشند رابطه افراد با گروه‌های بیرونی ضعیف‌تر خواهد شد و در مجموع سرمایه اجتماعی کاهش خواهد یافت. هر چه روابط درون‌گروهی ضعیف‌تر باشد، افراد بیشتر با گروه‌های بیرونی ارتباط بیشتری برقرار خواهند کرد. این امر در مجموع سرمایه اجتماعی را بالا خواهد برد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه پیمایش بوده است. این روش با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از جامعه‌ی موردنظر به کشف و بررسی میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرهای مختلف می‌پردازد. در این پژوهش سکنه بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه، جامعه آماری موردنظر بوده است. با توجه به جمعیت شهر کرمانشاه ۴۵۰ نمونه در نظر گرفته شد. شیوه نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از نقشه بلوک‌های شهری انجام گرفته است. با توجه به فاصله طبقات، ابتدا ۴۵ بلوک (از ۸۰۰۰ بلوک) به صورت تصادفی مشخص و سپس از هر بلوک ده واحد مسکونی باز هم به صورت تصادفی انتخاب شد. پراکندگی بلوک‌ها در نقشه شماره ۱ دیده می‌شود.



نقشه ۱: بلوک‌های انتخاب‌شده برای پیمایش

از آنجا که از یک‌سو، انجام محاسبات و تحلیل در برای همه ۴۵ بلوک کار دشواری بود و از سوی دیگر، به این دلیل که تعداد نمونه‌ها در هر بلوک (ده مورد) حدنصاب موردنیاز برای آزمون‌های آماری را فراهم نمی‌کرد، تصمیم گرفتیم با توجه به سطح توسعه‌یافتگی محلات آن‌ها را در پنج سطح دسته‌بندی کنیم که در جدول زیر اسامی آن‌ها آمده است؛ بنابراین تحلیل‌های ما عمدتاً براساس این طیف پنج‌قسمتی بوده است، اما در همه موارد به اسامی محلات دارای بیشینه یا کمینه در متغیر موردنظر اشاره شده است.

جدول ۳: سطح‌بندی محلات ۴۵ گانه در ۵ سطح براساس سطح کلی توسعه‌یافتگی

سطح محلات	اسامی محلات
بالا	۲۲ بهمن، کسرا، گلستان
متوسط رو به بالا	الهییه، دادگستری، خیام، فرهنگیان ۲، بلوارزن
متوسط	مسکن، پردیس، بازرگانی، پرواز، جیامیرزا، تعاون، معلم
متوسط رو به پایین	سید فاطمه، تاجگذاری، سجادیه، ظفر، سیدجمال‌الدین، گراژ
پایین	جعفرآباد، کولی‌آباد، شاطرآباد، حکمت‌آباد، دولت‌آباد، آناهیتا

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش کمی براساس بسته آماری SPSS است. برای بررسی اعتبار و پایایی آن‌ها، علاوه بر مبانی نظری آزموده شده، از روش‌های تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ استفاده شده است.

با توجه به مباحث نظری، در جدول زیر الگوی نظری پژوهش شامل چهار بعد (تعاملات، اعتماد، مشارکت و هنجارها و ارزش‌ها)، برای سرمایه اجتماعی، به همراه شاخص‌ها و معرف‌ها ارائه شده است. در دو ستون آخر جدول، ضرایب و مقادیر به دست آمده در دو مبحث اعتبار و پایایی شاخص‌های مورد استفاده در پیمایش منتهی به مقاله حاضر ارائه شده است.

جدول ۴: ابعاد، شاخص‌ها، معرف‌ها، اعتبار و پایایی آن‌ها

Alpha	KMO (sig:0.00)	شاخص‌ها و معرف‌ها	ابعاد
۰/۶۷۹	۰/۶۶۱	فردی: خانواده، فامیل، دوستان عمومی: همسایه، هم محله، هم‌شهری نهادی: نهادها و اصناف	اعتماد
۰/۷۶۵	۰/۷۵۳	درون‌گروهی: خانواده، فامیل، دوستان برون‌گروهی: همسایه، هم محله، هم‌شهری	شبکه تعاملی
۰/۷۶۷	۰/۷۱	همیارانه: کمک مالی، فکری، عاطفی سازمان‌یافته: احزاب، انجمن‌ها، شوراها اجتماعی: ساختن اماکن عمومی، خیریه	مشارکت
-	۱-	- ملی‌گرایی - مدارای فرهنگی - کنترل نفس - احساس امنیت - احساس عدالت و آزادی - قانون‌مداری - جمع‌گرایی	ارزش‌ها و هنجارها
۰/۷۰	۰/۷۱		
-	-		
۰/۷۳	۰/۶۵		
۰/۷۲	۰/۶۸۱		
۰/۶۱	۰/۷۱		
۰/۶۲	۰/۶۵۲		

۵. یافته‌ها و تحلیل‌ها

طبق یافته‌های پیمایش، میانگین سنی پاسخگویان ۳۹ سال، ۴۵ درصد زن و ۵۵ درصد مرد بوده است. میانگین بعد خانوار ۴ نفر، ۷۴ درصد متأهل، ۲۱ درصد مجرد، ۳ درصد همسر فوت شده و ۲ درصد مطلقه، میانگین سال‌های سکونت در یک محله ۱۶ سال و میانگین تحصیلات ۱۱/۵ (دیپلم) بوده است. از نظر اشتغال، ۳۸ درصد شاغل، ۱۴ درصد بیکار، ۲۴ درصد خانه‌دار، ۱۰ درصد دانشجو و ۱۲ درصد بازنشسته به دست آمده است. در بین شاغلان،

مغازه‌دار و راننده (۴۴ درصد)، کارمند و فرهنگی (۳۰ درصد) و کشاورز (۲۲ درصد) دارای بیشترین فراوانی بوده است. ۶۱ درصد پاسخگویان، دارای مسکن ملکی، ۳۵ درصد مستأجر و ۴ درصد نیز سازمانی، مجانی و سایر وضعیت‌ها به دست آمده است. از نظر قومیت، ۶۹ درصد کُرد، ۱۷ درصد فارس، ۹ درصد لک، ۲ درصد لر، ۱ درصد ترک و بوده و ۲ درصد نیز مقوله سایر (عرب، کولی ترکمن و ...) را انتخاب کرده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵: سیمای پاسخگویان نمونه آماری: جنسیت و قومیت (درصد)

قومیت				جنسیت		سطح محلات		
سایر	ترک	لر	لک	فارس	کرد	مرد	زن	فراوانی
۰	۰	۲	۴	۳۷	۵۷	۵۷	۴۳	۵۱
۱,۳	۱,۳	۲,۵	۵	۲۵	۶۵	۶۲,۵	۳۷,۵	۸۰
۰	۱	۲	۲	۱۹	۷۶	۵۰,۵	۴۹,۵	۱۱۱
۱	۰	۵	۱۸	۱۵	۶۱	۴۸	۵۲	۸۸
۴	۱	۰	۱۶	۳	۷۶	۵۸	۴۲	۱۲۰
۲	۱	۲	۹	۱۷	۶۹	۵۵	۴۵	۴۵۰

۱- شبکه تعاملی

تعامل «درون‌گروهی» برای همه محلات و شهر در کل، در سطح متوسط رو به بالا است. در مجموع تفاوت مشخصی بین محلات وجود ندارد، باین حال در این شاخص، محلات برخوردار در مرتبه بالاتری قرار دارند (ج۶). در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۱۲/۳) به خیام و کمترین میانگین (۸/۲) به خیابان مدرس تعلق گرفته است. میزان این شاخص برای کل شهر کرمانشاه نگران‌کننده به نظر نمی‌رسد اما باید توجه داشت که سهم عمده این میانگین به روابط درون‌گروهی فامیل درجه یک (خانواده) تعلق دارد و گرنه در دو شاخص دیگر میانگین پایین‌تر است. همچنین، طبق مبانی نظری سرمایه اجتماعی، سطح بالاتر تعاملات درون‌گروهی ممکن است در برآیند نهایی سطح سرمایه اجتماعی را کاهش دهد. در تحلیل نهایی به این موضوع باز خواهیم گشت.

در بعد تبیینی، بین متغیرهای جنسیت، نوع شغل و قومیت و میزان تعامل درون‌گروهی تفاوت معناداری وجود نداشته است؛ اما میزان تعاملات درون‌گروهی با توجه متغیر وضعیت تأهل متفاوت و از نظر آماری معنادار بوده است ($F: 4/71$ ، معناداری: $0/00$). تعاملات درون‌گروهی و سن، دارای رابطه منفی (پیرسون: $0/09$ ، معناداری: $0/00$) و با تحصیلات دارای همبستگی مثبت (پیرسون: $0/11$ ، معناداری: $0/00$) بوده است. این روابط معنادار اما بسیار

ضعیف بوده است؛ بنابراین همچنان که بالاتر اشاره شده، در جامعه مورد نظر به صورت کلی از نظر تعاملات درون‌گروهی تفاوت قابل توجهی وجود ندارد.

تعامل «برون‌گروهی» برای همه محلات و شهر در کل در سطح پایین قرار دارد. در مجموع تفاوت چندانی بین محلات وجود ندارد، اگرچه میانگین مناطق برخوردار اندکی بیشتر است (جدول ۶). در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۸/۷) به خیام و کمترین میانگین (۳/۵) به مسکن تعلق گرفته است. سطح پایین این شاخص برای کل شهر کرمانشاه نگران‌کننده است، زیرا از یک جهت فاصله زیادی با سطح تعاملات درون‌گروهی دارد و از سوی دیگر بیانگر درون‌گرایی و ضعف جامعه مدنی در این شهر است.

در بعد تبیینی، بین متغیرهای جنسیت، نوع شغل، قومیت، سن، رتبه شغلی با تعاملات برون‌گروهی تفاوت معناداری وجود نداشته است؛ اما هرچه قدمت سکونت افراد در محله بیشتر بوده، تعاملات آن‌ها بیشتر شده است (پیرسون: ۰/۲۸۴، معناداری: ۰/۰۰) و نیز بین تحصیلات و تعاملات برون‌گروهی همبستگی منفی وجود داشته است (پیرسون: ۰/۳۸۳، معناداری: ۰/۰۰) که البته از لحاظ منطق نظری باید برعکس باشد؛ اما از آنجا که در بخش تعاملات درون‌گروهی نیز بین تحصیلات و سطح روابط همبستگی مثبت وجود داشت، می‌توان گفت که تحصیلات مدرن هم نتوانسته است حوزه عمومی و جامعه مدنی را تقویت کند. دیالکتیک بین این دو بعد سرمایه اجتماعی در بخش نتیجه‌گیری بیشتر تحلیل شده است.

۲- اعتماد

شاخص اعتماد در سه بعد «فردی»، «عمومی» و «نهادی» بررسی و تحلیل شده است. طبق جدول ۶، میانگین شاخص «اعتماد فردی» برای شهر بیانگر سطح متوسط اعتماد است و تفاوت چندانی بین مناطق مختلف شهر وجود ندارد. در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۱۶) به دولت‌آباد و کمترین میانگین (۱۱/۵) به محله کارمندان تعلق گرفته است. میانگین بالای به‌دست‌آمده در دولت‌آباد، به احتمال زیاد به خاطر بافت یکدست و همگون‌تر مذهبی و زبانی است. در ابعاد جزئی‌تر شاخص اعتماد فردی، خانواده بیشترین و همسایه‌ها کمترین قابلیت اعتماد را داشته‌اند. براساس یافته‌ها هر چه فاصله اجتماعی افراد بیشتر شده است اعتماد آن‌ها کاهش یافته است؛ به عبارت دیگر اعتماد هنوز بر روابط نسبی و سببی و نه موازین شهروندی و جامعه مدنی و قانون‌مدار استوار است. در بعد تبیینی، بین هیچ‌کدام از متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات و ...) با اعتماد فردی تفاوت معناداری وجود نداشته است. به نظر می‌رسد به دلیل نظام نسبتاً هنوز سنتی جامعه مورد مطالعه، اعتماد به

خانواده و دوستان، چندان از متغیرهای فردی تأثیر نپذیرفته است. جالب آن است که در هیچ کدام از محلات حتی اعتماد به اعضای خانواده نیز کامل و صددرصد نبوده است.

جدول ۶: میانگین شاخص‌های «شبکه تعاملی» و «اعتماد» به تفکیک سطح محلات

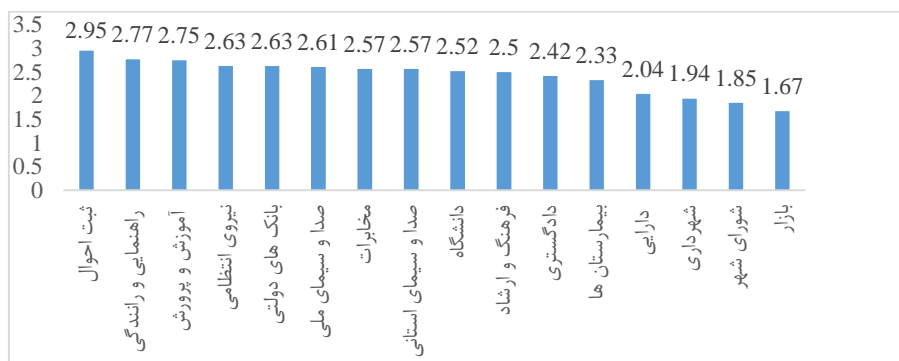
سطح محلات	تعامل درون‌گروهی (از ۱۵)	تعامل برون‌گروهی (از ۱۵)	اعتماد فردی (از ۲۰)	اعتماد عمومی (از ۲۰)	اعتماد نهادی (از ۶۴)
بالا	۱۰/۳	۶/۸	۱۳/۷	۹/۸	۳۲/۷
متوسط بالا	۱۰/۳	۶/۶	۱۳/۶	۹/۲	۳۷/۸
متوسط	۹/۹	۵/۷	۱۳/۹	۹/۷	۴۰
متوسط پایین	۹/۹	۶/۲	۱۳/۷	۹/۶	۴۱/۴
پایین	۱۰	۶/۱	۱۳/۶	۹/۶	۳۸/۵
کل	۱۰	۶/۲	۱۳/۷	۹/۶	۳۸/۷
F- Test	۰/۴۸	۱/۹۵	۰/۲۸	۰/۵۴	۵/۲۵
Sig	۰/۷۵	۰/۱	۰/۹۴	۰/۷۱	۰/۰۰

میانگین شاخص «اعتماد عمومی» برای کل شهر بیانگر اندکی بالاتر از سطح متوسط (و میانگین مورد انتظار) به دست آمده است. طبق اعداد طبق جدول شماره ۵، میانگین به دست آمده در محلات میانی بیشتر از محلات پایین و بالا است و در مجموع میانگین محلات برخوردارتر کمتر بوده است. در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۱۳) به محله بهزیستی (چهارصد دستگاه) و کمترین میانگین (۷/۲) به محله دادگستری تعلق گرفته است. در مقایسه میزان اعتماد عمومی با اعتماد فردی متوجه می‌شویم که اعتماد فردی (خانوادگی) ۴ واحد از اعتماد عمومی بیشتر است و این نیز یکی از نشانه‌های ضعف یک جامعه در حوزه مدنی می‌تواند به شمار آید.

در «اعتماد نهادی» میانگین کل شهر بیانگر سطح متوسط (کمتر از میانگین مورد انتظار) اعتماد است و تفاوت معنادار اما ضعیفی بین مناطق مختلف شهر وجود دارد (ج ۶، ستون آخر) اگرچه روندی صعودی اما با شیب بسیار کم در میانگین دیده می‌شود. در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۴۹) به محله ظفر (و کمترین میانگین (۲۸) به محله نوبهار تعلق گرفته است. در بعد تبیینی، متغیرهای تحصیلات (پیرسون: $0/152$ ، معناداری: $0/00$) و قدمت سکونت در محله (پیرسون: $0/10$ ، معناداری: $0/05$) دارای همبستگی منفی و ضعیف اما معناداری با اعتماد نهادی نشان داده‌اند. به عبارت دیگر کم‌سوادترها و تازه‌واردها اعتماد نهادی بالاتری داشته‌اند.

از آنجا که اعتماد نهادی در جامعه‌ای با ویژگی‌های جامعه ایرانی (با جامعه مدنی ضعیف و نظام دولتی گسترده) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در ادامه نتایج جزئی‌تر این بعد از

سرمایه اجتماعی بررسی شده است. طبق یافته‌های ما، در بین نهادها اعتماد کامل به هیچ نهادی وجود نداشته، با این حال، بالاترین میانگین اعتماد متعلق به اداره ثبت احوال و به آموزش و پرورش و کمترین میزان متعلق به بازار و شورای شهر بوده است. در سطح اعتماد صفر، در بین نهادها، در کل شهر، شورای شهر و بازار کمترین اعتمادپذیری را در بین مردم داشته‌اند. (نمودار ۱) نکته مهم این است که بنا بر آن بوده که شورای شهر، تشکیلی برگزیده خود مردم باشد و منطقاً بایستی بیشترین اعتماد را کسب می‌کرد. درباره اعتمادپذیری تجار هم می‌توان گفت که این سطح از اعتماد فضای کسب‌وکار را از رونق و آرامش دور می‌کند.



نمودار ۱: میانگین کل اعتماد نهادی به تفکیک نهادها، شهر کرمانشاه (۱۳۹۶)، (از ۴)

۳- مشارکت

طبق جدول ۷، میانگین شاخص «مشارکت همیارانه» (۱۰/۷) در سطح متوسط قرار دارد و تفاوت چندانی بین مناطق مختلف شهر وجود ندارد. در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۱۳/۴) به شاطرآباد (شهید) و کمترین میانگین (۸/۳) به شهرک پردیس تعلق گرفته است. در بعد تبیینی، بین متغیر قدمت سکونت و مشارکت همیارانه همبستگی مثبت و معنادار اما ضعیف وجود داشته است (پیرسون: ۰/۱۹۹، معناداری: ۰/۰۰). به عبارت دیگر هرچه قدمت سکونت افراد در محله بیشتر بوده، بیشتر به کمک افراد دیگر رفته‌اند. سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی، همبستگی معناداری با این شاخص نشان نداده‌اند.

در بعد «تمایل به مشارکت»، میانگین کل (۱۳/۹) در سطح متوسط به بالا قرار دارد و در اینجا نیز تفاوت معناداری بین مناطق مختلف شهر وجود ندارد (جدول ۶). در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۱۶/۷) به شهرک آناهیتا و کمترین میانگین (۱۱/۶) به شهرک تعاون تعلق داشته است. می‌توان گفت سطح این شاخص نسبتاً در وضعیت مناسبی قرار دارد. در مجموع، ۳۰ درصد آن‌ها تمایل خیلی زیادی برای مشارکت اجتماعی دارند. در حدود ۷/۵

درصد از مردم هیچ تمایلی به مشارکت اجتماعی ندارند. بیشترین عدم تمایل به مشارکت در ساختن اماکن عمومی است. به نظر می‌رسد در تصور مردم، ساختن اماکن عمومی اساساً وظیفه دولت است و نیازی به مشارکت آن‌ها ندارد.

در بعد تبیینی، بین متغیر قدمت سکونت و تمایل به مشارکت همبستگی مثبت و معنادار اما ضعیف وجود داشته است (پیرسون: ۰/۱۷، معناداری: ۰/۰۳). به عبارت دیگر هرچه قدمت سکونت افراد در محله بیشتر بوده، تمایل بیشتری هم به مشارکت وجود داشته است.

میانگین کل «مشارکت سازمان یافته» ۰/۸ به دست آمده که در سطح بسیار نازلی قرار دارد؛ و در اینجا نیز تفاوت معناداری بین مناطق مختلف شهر وجود ندارد. در بین محلات مشخص، بیشترین میانگین (۱/۷) به شهرک آناهیتا و کمترین میانگین (۰/۱) به محله جعفرآباد تعلق داشته است. می‌توان گفت سطح این شاخص در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارد. همچنین، در مجموع ۸۷ درصد از پاسخگویان هیچ نوع مشارکتی نداشته‌اند. در میان مشارکت‌کنندگان، بیشترین میزان مشارکت، به بسیج و سپس با تفاوت به انجمن اولیا و مربیان و انجمن‌های ورزشی و تفریحی تعلق دارد. کمترین میزان مشارکت به احزاب و تشکل‌های سیاسی است.

در بعد تبیینی، بین شاخص مشارکت سازمان یافته و متغیرهای موقعیت شغلی (تاو. سی. کندال: ۰/۱۷، معناداری: ۰/۰۰) و تحصیلات (تاو. بی. کندال: ۰/۱۹، معناداری: ۰/۰۰) تفاوت مثبت و معنادار اما ضعیف، وجود داشته است. به عبارت دیگر هرچه تحصیلات و موقعیت شغلی افراد بیشتر بوده، مشارکت رسمی بیشتری وجود داشته است.

جدول ۷: میانگین ابعاد شاخص مشارکت به تفکیک سطح محلات

سطح محلات	مشارکت همیارانه (از ۲۰)	تمایل به مشارکت (از ۲۰)	مشارکت سازمان یافته (از ۲۸)
بالا	۱۰/۳	۱۳/۵	۰/۹
متوسط بالا	۱۰/۷	۱۳/۹	۰/۹
متوسط	۱۰/۱	۱۳/۷	۰/۸
متوسط پایین	۱۱/۲	۱۴/۴	۰/۸
پایین	۱۱	۱۴	۰/۵
کل	۱۰/۷	۱۳/۹	۰/۸
F- Test	۱/۵۵	۰/۷۵	۱/۵۸
Sig	۰/۱۹	۰/۶۸	۰/۱۸

۴- ارزش‌ها و هنجارها

در این بعد از سرمایه اجتماعی ۷ شاخص اصلی بررسی شده که نتایج آن در جدول شماره ۸ آمده است. علاوه بر توصیف، به تناسب هر شاخص، تحلیل‌هایی ارائه شده است.

میانگین کل «احساس امنیت» (۸/۲۷) در شهر کرمانشاه، تقریباً در سطح متوسط مورد انتظار (یعنی نمره ده) بوده است؛ و این یعنی آنکه سطح احساس امنیت، متوسط و چندان مطلوب نیست. در بین محلات، بیشترین میانگین، به شهرک بهزیستی (۱۰) و کمترین به آناهیتا (۵/۹) تعلق گرفته است.

میانگین کل «مدارای فرهنگی» (۶/۲۳) در شهر کرمانشاه، اندکی بالاتر از حد متوسط (نمره ۵) بوده است. در بین محلات، بیشترین میانگین، به شهرک جعفرآباد (۷/۵) و کمترین به جلالیه (۴/۵) تعلق گرفته است. میزان این شاخص حکایت از آن دارد که سطح مدارای فرهنگی، متوسط بوده و مطلوب نیست. این نکته، به‌ویژه با توجه به اینکه شهر کرمانشاه، دارای تنوع فرهنگی، قومیتی و مذهبی است، بسیار جای تأمل دارد.

میانگین کل «ملی‌گرایی» (۴/۶) برای شهر کرمانشاه، بیانگر سطح بسیار بالای این شاخص است. در بین محلات، بیشترین میانگین، به شهرک جعفرآباد (۴/۹۱) و کمترین به دادگستری و نوبهار (۳/۹) تعلق گرفته است. در مجموع، می‌توان گفت که این شاخص در سطح بسیار مطلوبی قرار دارد. این یافته با نتایج پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (۱۳۸۰) همخوانی دارد. طبق آن پیمایش، در زمینه هویت ملی بین کرمانشاه و کل کشور فقط ده درصد تفاوت وجود ندارد.

میانگین کل «احساس عدالت و آزادی» (۱۲) برای شهر کرمانشاه، بیانگر سطح کمتر از متوسط این شاخص است. در بین محلات، بیشترین میانگین، به شهرک آناهیتا (۱۵/۳) و کمترین به نوبهار (۸/۳) تعلق گرفته است. طبق مطالعات دیگر، از جمله در آمایش سرزمین سال ۱۳۹۶ (کریمی، ۱۳۹۶)، در سطح استان، پاسخگویان سطح احساس عدالت و آزادی خود را متوسط و پایین ارزیابی کرده‌اند. در این شاخص سه شهر هرسین، پاره و جوانرود در پایین‌ترین سطح قرار دارند؛ به عبارت دیگر شهرستان‌های دارای تمایز قومی و مذهبی نسبت به گفتمان غالب، از احساس نارضایتی بیشتری برخوردار بوده‌اند. این نتیجه، همچنین، با یافته‌های طرح پیمایشی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: شهر کرمانشاه» (۱۳۸۰) هماهنگ است. براساس این پیمایش، «مردم کرمانشاه در مجموع احساس بی‌عدالتی بیشتری در مقایسه با کل کشور داشته‌اند. این احساس در زمینه‌های روند افزایشی نابرابری اقتصادی، بی‌عدالتی سیاسی و بی‌عدالتی قومی قوی‌تر بوده است». در زمینه احساس آزادی «در مجموع مردم کرمانشاه امکان نقد آزادانه از حکومت را کمتر از میزان کل کشور ارزیابی کرده‌اند». با در نظر گرفتن فاصله ۱۵ ساله بین این دو دسته مطالعات، شباهت موجود در این مقایسه را می‌توان

نشانه‌ای از ناکارآمدی سیاست‌های مرتبط با گسترش عدالت و توسعه جامعه مدنی و «سپهر عمومی» تفسیر کرد.

میانگین کل «قانون‌مداری» برای شهر کرمانشاه، ۸/۲، بیانگر سطح بالای این شاخص است. در بین محلات، بیشترین میانگین، به گلستان (۹/۱) و کمترین به جعفرآباد (۷/۲) تعلق گرفته است. همچنین سطح شاخص «جمع‌گرایی» با میانگین ۷/۸ برای کل شهر بیانگر سطحی بالا برای شاخص است. در بین محلات، بیشترین میانگین، به چیا میرزا (۸/۵) و کمترین به کولی‌آباد (۶) تعلق گرفته است.

میانگین شاخص «تعلق مکانی» به شهر کرمانشاه، برای کل شهر، ۱۱/۷ بوده است که بیانگر سطح نسبتاً بالای این شاخص است. در بین محلات، بیشترین میانگین، به خیام (۱۳/۸) و کمترین به آناهیتا و حکمت‌آباد (۹/۵) تعلق گرفته است.

جدول ۸: میانگین ابعاد شاخص ارزش‌ها و هنجارها به تفکیک سطح محلات

تعلق مکانی (از ۱۵)	جمع‌گرایی (از ۱۰)	قانون‌مداری (از ۱۰)	احساس عدالت و آزادی (از ۲۵)	ملی‌گرایی (از ۵)	مدارای فرهنگی (از ۱۰)	احساس امنیت (از ۱۵)	سطح محلات
۱۲/۱	۷/۹	۸/۵	۱۰/۹	۴/۶	۶/۳	۸	بالا
۱۱/۹	۸	۸/۳	۱۱/۵	۴/۵	۶/۲	۸/۱	متوسط بالا
۱۱/۶	۷/۹	۸/۲	۱۱/۹	۴/۷	۶/۱	۸/۵	متوسط
۱۲/۱	۷/۹	۸/۵	۱۲/۹	۴/۶	۶/۳	۸/۲	متوسط پایین
۱۱/۵	۷/۴	۸	۱۲/۹	۴/۵	۶/۳	۸/۴	پایین
۱۱/۸	۷/۸	۸/۲	۱۲/۰۴	۴/۶	۶/۲۳	۸/۲۷	کل
۰/۹۵	۲/۵	۱/۹۵	۲/۸۵	۰/۷۶	۰/۱۴۲	۰/۶۳	F-Test
۰/۴۳	۰/۰۴	۰/۱۰	۰/۰۲	۰/۵۵	۰/۹۷	۰/۶۴	Sig

در بعد تبیینی شاخص‌های فوق، بین شاخص سطح توسعه‌یافتگی محله و شاخص احساس عدالت و آزادی، تفاوت معنادار و ضعیف (F: ۲/۸۵، معناداری: ۰/۰۰) برقرار و با متغیر جمع‌گرایی رابطه مثبت و معنادار اما ضعیف (پیرسون: ۰/۰۹، معناداری: ۰/۰۲) داشته است. با توجه به داده‌های جدول بالا می‌توان گفت که با افزایش سطح و موقعیت محله، احساس عدالت و آزادی کاهش یافته است. همچنین در مورد متغیر جمع‌گرایی، همبستگی مستقیم معنادار اما ضعیفی بین موقعیت محله و میزان جمع‌گرایی وجود داشته است. در این مورد به نظر می‌رسد با ارتقای سطح توسعه محلات، سطح جمع‌گرایی آن‌ها نیز اندکی بالاتر رفته است. در مورد سایر متغیرها همبستگی معنادار به دست نیامده است.

سرمایه اجتماعی کل

برای ارزیابی سرمایه اجتماعی کلی، داده‌های ۱۵ شاخص (شامل ۶۳ معرف موجود در جدول ۳)، از چهار بعد سرمایه اجتماعی با هم ترکیب شده است. مقدار KMO (۰/۷۳) و سطح معناداری آزمون بارتلت (sig= ۰/۰۰) بوده است. نتایج نهایی حاصل از پردازش داده‌ها (جدول زیر) نشان می‌دهد که شاخص کل سرمایه اجتماعی در شهر کرمانشاه و در سطح محلات، در مجموع، در سطح متوسط قرار دارد. این نتیجه، نتایج سایر تحقیقات، از جمله پژوهش وزارت کشور در سال ۱۳۹۴ و نتایج پژوهش‌های پیشین که بیشتر بررسی شد، همخوانی دارد. باید متذکر شد که تفاوت‌های در ابعاد مختلف سرمایه، در کل شهر و بر حسب مناطق در نتایج وجود داشته است، اما نتیجه کلی بیانگر متوسط بودن سطح سرمایه در همه محلات شهر است. به عبارت دیگر تفاوت موجود در بین محلات برخوردار و محروم و متوسط فاقد معناداری آماری بوده است.

جدول ۹: میانگین سرمایه اجتماعی کل به تفکیک سطح محلات

Sig	F-Test	میانگین (از ۵)	سطح محلات
۰/۷	۲/۱۹	۲/۴۳	بالا
		۲/۵۱	متوسط بالا
		۲/۵۳	متوسط
		۲/۶۲	متوسط پایین
		۲/۵۱	پایین
		۲/۵۳	کل

بررسی نسبت بین متغیرهای مستقل و سرمایه اجتماعی کل نشان می‌دهد که تنها بین متغیر تحصیلات و این شاخص رابطه معنادار وجود دارد (پیرسون: ۰/۰۸-، معناداری: ۰/۰۳). این همبستگی اگرچه خیلی ضعیف است اما نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات، میزان سرمایه اجتماعی کل افت کرده است؛ اما در کل با توجه به تفاوت میانگین بسیار اندک بین محلات، نمی‌توان سخن چندان از همبستگی‌های آماری به میان آورد. یا شاید لازم باشد متغیرهای زمینه‌ای متفاوت‌تر و بیشتری را احصا کرد تا عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی را دریافت.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی منظومه‌ای است از شاخص‌ها که ممکن است در یک جامعه با هم همخوانی نداشته باشند. همان‌طور که دیدیم (جدول ۶) بین محلات برخوردار و محروم تفاوت معنادار آماری در میزان تعاملات درون‌گروهی دیده نمی‌شود. این نکته بیانگر آن است که ما با یک جامعه نسبتاً یکدست و سنتی از منظر تعاملات درون‌گروهی روبرو هستیم. در توضیح باید اشاره شود که استان کرمانشاه دارای تنوع فرهنگی و قومی بالایی است و این تنوع در خود شهر کرمانشاه هم نمود پیدا کرده است؛ چنان‌که می‌توان چندین «اجتماع» را در درون شهر تشخیص داد که تعاملات آن‌ها بیشتر براساس الگوهای «گروه‌های نخستین» و «اجتماع‌گرایانه» است تا الگوهای تعاملی مربوط به جامعه بزرگ‌تر. به همین دلیل، برای نمونه کوردهای اهل سنت در محله دولت‌آباد، لک‌ها در جعفرآباد، کولی‌ها در کولی‌آباد و الخ، تجمع دارند. در واقع تنها در برخی مناطق، مثل ۲۲ بهمن یا کسرا، می‌توان از مفهوم «جامعه» و تعاملات شهروندی مبتنی بر فردیت و نه گروه سخن گفت. اگرچه در این مناطق هم روابط عموماً بر مناسبات درون‌گروهی خانوادگی یا خویشاوندی استوار است. نکته دیگر این است که دو شاخص تعامل درون‌گروهی و برون‌گروهی از بعد «شبکه تعاملی»، در یک سطح نبوده و به عبارتی در جهت مخالف هم قرار گرفته‌اند. هر جا سطح تعاملات درون‌گروهی بالاتر رفته است، سطح تعاملات برون‌گروهی کاهش یافته است؛ و این نکته در نتایج سایر پژوهش‌ها از جمله در مقاله رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۵) نیز دیده شده است. براساس نظر برخی از صاحب‌نظران، سطح بالاتر سرمایه اجتماعی در وجه درون‌گروهی ممکن است لزوماً در خدمت افزایش یا تقویت سرمایه اجتماعی کل نباشد. به عبارت دیگر تعامل درون‌گروهی قوی که در سطح شهر دیده می‌شود، ممکن است در برآیند کلی به‌عنوان مانعی برای توسعه مدنی و به‌صورت خاص بهبود سرمایه اجتماعی عمل کند.

این وضعیت شبکه تعاملی را می‌توان نشانگر جامعه‌ای در حال تغییر، نیمه‌سنتی-نیمه‌مدرن پنداشت که هنوز نتوانسته است گذشته‌اش را با امروز خود هم‌آوا سازد. از یک‌طرف حیات مردم بدون تعاملات خویشاوندی دشوار و زودگذر است و از سوی دیگر، به دلیل فراهم‌نبودن زمینه‌های لازم، مجال‌چندانی برای تعاملات برون‌گروهی نیست. در واقع پیوندهای خویشاوندی و قومی یا همان شبکه تعاملی درون‌گروهی، اگرچه فی‌نفسه امر مشکل‌سازی نیست، اما عدم‌تغییر و تبدیل آن به نیرویی در جهت هماهنگ با سایر نیروهای پیش‌برنده جامعه، در این چند دهه اخیر مشکلاتی را به همراه داشته است که مهم‌ترین شواهد آن در

مشارکت‌های جهت‌دار و تعصب‌آمیز در انتخابات نمایندگان مجلس، شوراهای مختلف، استاندار، فرمانداران و ... بروز کرده است. همچنین، می‌توان گفت که شبکه تعاملی درون‌گروهی قوی، در مواردی ممکن است به انحای مختلف باعث پایین آمدن مشارکت و اعتماد عمومی و نهادی شود. این نکته در ادامه بحث روشن شده است.

همان‌طور که در مطالعات پیشین (از جمله در رنالی و مؤیدفر، ۱۳۸۷ و مطلق و همکاران، ۱۳۹۱)، اشاره شده است، سطح اعتماد عمومی و نهادی کمتر از اعتماد خاص و فردی است. در بعد اعتماد، به نظر می‌رسد که اعتماد بیشتر از یکدستی و یکسانی در بافت فرهنگی، روابط نسبی و سببی و نه مدنی متأثر بوده است؛ زیرا از یکسو با گسترده شدن فضای اجتماعی و افزایش فاصله اجتماعی میزان آن کاهش یافته است و از سوی دیگر متغیرهای اجتماعی و فردی نسبت آماری معناداری با آن نداشته‌اند. نکته دیگر این است که حتی در بعد اعتماد فردی (اعتماد به خانواده و نزدیکان) نیز اعتماد تام و کامل وجود ندارد. در کل، بازخورد این فقدان اعتماد به‌ویژه در وجه اعتماد عمومی و نهادی را می‌توان در رفتار متناقض و مخالف مردم در برابر سازمان‌های رسمی و دولتی دید. سپردن کودکان به مؤسسه‌های آموزشی غیرانتفاعی (در حقیقت انتفاعی) و مدارس غیردولتی، هجوم به فروشگاه‌ها و شرکت‌ها، خرید حریصانه و انبارکردن کالا در هنگام اعلام عدم تصمیم دولت بر گران کردن قیمت اجناس و کالاها، تمایل به و دریافت اطلاعات و اخبار از منابعی غیررسمی (داخلی و خارجی) (کریمی، ۱۳۹۶) و مانند این‌ها، بیانگر پایین بودن اعتماد در سطح کلی جامعه است.

به همین ترتیب، در شاخص مشارکت هم وضعیت نامناسب ارزیابی شده است. چنانکه نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخگویان هیچ نوع مشارکتی نداشته‌اند. در میان مشارکت‌کنندگان، بیشترین میزان مشارکت، به بسیج و سپس با تفاوت به انجمن اولیا و مربیان و انجمن‌های ورزشی و تفریحی تعلق دارد. کمترین میزان مشارکت به احزاب و تشکل‌های سیاسی است. در حقیقت مردم شهر دارای مشارکت رسمی بسیار کمی هستند. همچنین باید در نظر داشت که مشارکت در سازمان‌هایی مانند بسیج، در بیشتر موارد با نیت بهره‌مندی از مزایای آن در آینده دور و نزدیک صورت می‌گیرد و خود مشارکت فی‌نفسه موردنظر نیست. در تبیین، این عدم مشارکت هم می‌تواند به سطح ناچیز کنشگری افراد برگردد یا اینکه ناشی از عدم امکان و مجال ساختاری برای کنشگری، هزینه‌ها و پیامدهای کنشگری باشد. همچنین، همان‌طور که در مبحث یافته‌ها دیدیم، در بین سه وجه مشارکت، تمایل به مشارکت در سطح بهتری نسبت به دو وجه دیگر مشارکت قرار داشت. در تحلیل این تفاوت سطح می‌توان گفت که این

شاخص فقط تمایل حسی یا ذهنی افراد و نه اقدامات واقعی آن‌ها را می‌سنجد. به عبارت دیگر تمایل بالا به مشارکت اجتماعی و از سوی دیگر مشارکت عملی پایین، بیانگر فاصله‌ای است که بین ذهنیت و نگرش افراد و عمل و رفتار آن‌ها وجود دارد. این شکاف خود یکی از مسائل اجتماعی در همه سطوح و ابعاد رفتار اجتماعی است؛ بنابراین نباید چندان به سطوح بالای نگرش‌های مثبت دل خوش کرد. با کمی مسامحه، این نکته را هم می‌توان افزود که شکلی از منش خودبترتربینی در جامعه کرمانشاهی و حتی می‌توان گفت در جامعه ایرانی، وجود دارد که همواره در ارزیابی‌های این‌چنینی خود را نشان می‌دهد.^۱ این خصلت، به‌ویژه در کرمانشاه، با توجه به مناسبات پهلوانی گذشته و شهره‌بودن به پهلوانی، به شکلی ناخودآگاه، جزئی از ضمیر افراد شده است.

در تبیین سطح متوسط و پایین سه بعد تعاملات، اعتماد و مشارکت در استان و شهر کرمانشاه، علاوه بر دلایل متعارف و رایج در کل جامعه ایرانی، باید توجه داشت که بخشی از این وضعیت نامطلوب ناشی از برخی ویژگی‌ها و به عبارتی تفاوت‌های فرهنگی این استان با نظام اجتماعی و گفتمان رسمی است. تجربه زیسته نویسندگان و نیز برخی مطالعات (از جمله احمدی ۱۳۹۷ و کریمی ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که مردم این استان عامل بسیاری از مشکلات و ناکامی‌های خود را برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های رسمی متمرکز می‌دانند. آن‌ها از یکسو معتقدند نوعی از تبعیض در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به ضرر استان وجود دارد و از سوی دیگر در داخل استان نیز به همین ترتیب بین شهرها و محلات شهرها شکلی از تبعیض منفی رواداشته می‌شود. در راستای همین نگرش، در بین خود مردم نیز، دسته‌بندی‌های خودی و غیرخودی، در سطح استان، شهر و حتی محلات وجود دارد. (سطح پایین احساس عدالت و آزادی در همین مطالعه گواه این واقعیت است. نگک: ج ۸). در مجموع، عامل اصلی این نابرابری‌ها، از نگاه مردم، ساختارهای رسمی است. در نتیجه این نگرش‌ها و آن واقعیت‌ها تعاملات عموماً درون‌گروهی، اعتماد پایین و مشارکت اندک شده است.

تحلیل فوق در زمینه سطح متوسط مدارای فرهنگی (جدول ۸) نیز مصداق دارد. به نظر می‌رسد، سیاست‌های یکسان‌سازانه حکومت‌ها، در یک قرن اخیر که مرکزها را بر پیرامون و گروهی را بر گروه‌ها دیگر ترجیح داده و در نهایت به برجسته‌سازی تفاوت‌ها و ایجاد تقابل فرهنگی دامن زده است، از جمله عوامل تاریخی مؤثر بر این وضعیت باشد.

۱. به مصداق این گفته معروف که «هنر نزد ایرانیان است و بس».

در تحلیل دیگر، براساس این تز که تعامل بیشتر بین فرهنگ‌ها ممکن است سبب قوم‌مداری بیشتر شود (شارون، ۱۳۷۹) می‌توان گفت که این سطح از مدارا، در شهری با تنوع فرهنگی مثل کرمانشاه، چندان نامناسب هم نیست؛ زیرا علاوه بر گرایش‌های تقریباً رسمی به همگراساختن که در بالا به آن اشاره شده، نفس تنوع می‌تواند مسبب عدم مدارا شود. در این صورت وجود این سطح از مدارا حتی می‌تواند مطلوب قلمداد شود؛ بنابراین، می‌توان گفت که کاستن از اقدامات پنهان و آشکار یکسان‌سازانه یک ضرورت است و در عوض باید ظرفیت‌های تاریخی و دیرین وضع موجود این استان برای هم‌نوایی و مدارا تقویت شود. شاهد این مدعا، در همین پژوهش (جدول ۸) در متغیر «ملی‌گرایی» آمده است که به‌رغم همه تفاوت‌های فرهنگی شهر در سطح بسیار بالایی قرار دارد. این ملی‌گرایی بالا، از جهتی، پاسخی است برای کسانی که بسیار تندروانه، از هر گونه جلوه تمایزات فرهنگی در سطح جامعه نگران هستند و آن را در زمره تمایلات واگرایانه سیاسی تلقی می‌کنند. شاید واقعیت چیز دیگری است، چون به نظر می‌رسد حس ملی‌گرایی در این شهر بیشتر از وضعیت اقتصادی تأثیر می‌پذیرد تا ویژگی‌های فرهنگی.

تحلیل سرمایه اجتماعی در چهار بعد مشارکت، تعامل، اعتماد و ارزش‌ها و هنجارها، در مجموع نشانگر آن است که سرمایه اجتماعی در سطح شهر از وضعیت متوسطی برخوردار است. در حقیقت، به نظر می‌رسد که شهر کرمانشاه، به تبعیت از روند کلان جامعه، در مسیر گذار از یک جامعه سنتی به جامعه‌ای به‌ظاهر مدرن، برخی از اشکال داشته‌های مادی و معنوی خود، از جمله سرمایه فرهنگی به شکل سنتی را از دست داده اما هنوز شکل مدرن آن را جایگزین نکرده است. بر این اساس، در چنین شرایطی، پیشنهاد ما این است که به‌جای آرمان‌گرایی ترقی‌خواه یا گذشته‌نگر، یا به عبارتی تأکید افراطی بر جامعه مدنی‌ای که هنوز قوام‌نیافته یا گذشته‌ای که دیگر چندان پاسخگوی مقتضیات زمانه نیست، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، براساس وضعیت موجود برنامه‌ریزی بکنیم. به‌صورتی که در آن نه وجهی از وجوه سرمایه حذف شود و نه دستمان از گذشته و آینده کوتاه شده باشد. این نکته از این جهت مهم است که تاکنون بیشتر برنامه‌های توسعه، به‌رغم گفتمان اصلی حاکم بر سیاست‌گذاری‌ها، بیشتر مبتنی بر اصول آرمان‌گرایی آینده‌نگر تدوین و پیش‌رفته است.

به‌علاوه، سرمایه اجتماعی، همچنان که در مباحث نظری مطرح شد، ماهیتی غیرمادی، کیفی و ذهنی دارد، به همین دلیل در بیشتر شرایط، یا درکل نادیده گرفته شده یا اهمیت آن کم برآورد شده است. از اینجا، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان

توسعه، عموماً نگرش اقتصادی به انواع سرمایه داشته‌اند. کاهش سرمایه اجتماعی، در شرایطی که جامعه تجربه خاصی از مدرنیته را از سر می‌گذراند، به معنای سست شدن شیرازه همبستگی اجتماعی است. در چنین وضعیتی نمی‌توان به کارگشایی و تأثیرگذاری سرمایه‌های مادی-اقتصادی، حتی با فرض رونق و شکوفایی، امیدوار بود.

تقدیر و تشکر

این مقاله، تحلیل متمایز بخشی از داده‌های "پروژه تحقیقاتی آمایش سرزمین استان کرمانشاه" است که به کارفرمایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه و دانشگاه رازی، در سال ۱۳۹۶ به سرانجام رسیده است. (هیچکدام از یافته‌های این مقاله در گزارش مذکور وجود ندارد). بدین‌وسیله از مسئولین این سازمان‌ها تشکر می‌شود.

منابع

- احمدی، وکیل. (۱۳۹۷). *موانع اجتماعی توسعه اقتصادی*، طرح پژوهشی، کارفرما: استانداری کرمانشاه.
- اردلان، محمدرضا؛ قنبری، سیروس؛ بهشتی‌راد، رقیه و نویدی، پرویز. (۱۳۹۴). «تأثیر سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تعهد سازمانی: مطالعه موردی کارکنان دانشگاه رازی کرمانشاه»، *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، شماره ۱۰، ۱۰۹-۱۳۲.
- الوانی، مهدی و میرعلی نقوی. (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، *فصلنامه مطالعات مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی*، شماره ۳۳ و ۳۴، ۹-۲۶.
- بشهری، علی‌رضا و رزمی، سید محمدجواد. (۱۳۹۳). «رتبه‌بندی غیرمستقیم شهرهای ایران بر حسب سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهاردهم، شماره ۵۵، ۴۵-۷۷.
- بورديو، پیر. (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه، مرتضی مردیپا. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بورديو، پیر. (۱۳۸۴). *شکل‌های سرمایه، در: سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه، افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- پاپزن، عبدالحمید؛ علی‌آبادی وحید و عباسی‌زاده، محمدصادق. (۱۳۹۰). «واکاوی تأثیر دفاتر ICT روستایی بر میزان سرمایه اجتماعی روستاییان با رویکردی مقایسه‌ای»، *پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، ۴(۴)، ۸۴-۹۴.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۴). *برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، در: سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و جامعه توسعه*، ترجمه، افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)*، ترجمه، محمدتقی دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام.
- پژوهان، ایوب. (۱۳۹۴). «سهم پیش‌بینی‌کنندگی سرمایه فکری و سرمایه اجتماعی بر مدیریت دانش سازمانی: مطالعه موردی بیمارستان امام علی کرمانشاه»، *فصلنامه بیمارستان، سال چهاردهم*، شماره ۴، ۱۲۴-۱۳۶.
- تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۴). *کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی*، در مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حقیقتیان، منصور و مرادی، گلمراد. (۱۳۹۰). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی کارکنان اداره تعاون: نمونه موردی شهر کرمانشاه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره ۴، ۱۱۵-۱۳۰.
- حقیقتیان، منصور و حیدرخانی، هابیل. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به توسعه شهری: نمونه مورد مطالعه شهر کرمانشاه»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال پنجم، شماره ۲۰، ۶۷-۸۸.

- حیدرخانی، هابیل؛ کلانتری، عبدالحسین و محبی، سیروس. (۱۳۹۶) «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در گرایش مردم به الگوهای اقتصاد مقاومتی در شهر کرمانشاه»، *فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، شماره ۹، ۳۶-۵۸.
- رستگار خلد، امیر؛ سلمانی بیدگلی، مسعود و پاکیده دلشاد، هادی. (۱۳۹۵). «رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی در شهرهای کرمانشاه و جوانرود»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۶۵، ۱۳۳-۱۴۴.
- رنانی، محسن و مؤیدفر، رزیتا. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران»، *فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه*، شماره ۶۸-۶۹، ۷۹-۱۰۶.
- شارون، جوئل. (۱۳۷۹). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- شویره، کریستین و فونتین، اولیویه. (۱۳۸۵) *واژگان بوردیو*، ترجمه، مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- علی‌بیگی، امیرحسین؛ جعفری‌نیا، معصومه؛ قربانی، فاطمه و سلیمانی، عادل. (۱۳۹۰) «رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضامندی شغلی کشاورزان شهرستان کرمانشاه»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال اول، شماره ۳، ۶۹-۸۰.
- قالیباف، محمدباقر؛ یاری شگفتی، اسلام و رمضان‌زاده لسبویی، مهدی. (۱۳۸۷). «تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها: مطالعه موردی بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه شهر کرمانشاه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهارم، شماره ۲، ۲۵-۵۰.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه، غلام‌عباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه، افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- کازمی‌پور، عبدالمحمد. (۱۳۸۳). *سرمایه اجتماعی در ایران: تحلیل ثانویه پیمایش‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۲*، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کریمی، جلیل. (۱۳۹۶). *برنامه آمایش سرزمین استان کرمانشاه*، گزارش سرمایه اجتماعی، طرح پژوهشی، دانشگاه رازی.
- کریمی، جلیل. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی سبک زندگی در شهر کرمانشاه*، طرح پژوهشی، کارفرما: جهاد دانشگاهی کرمانشاه.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، مترجم: صبوری، منوچهر، تهران: نشر نی.
- کلمن، جیمز. (۱۳۸۴). *نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. مترجمین: خاکباز، افشین، پویان، حسن، تهران: شیرازه.
- مطلق، معصومه؛ نوابخش، فرزاد و نقشی، فتاح. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با رضایت شغلی: مطالعه موردی کارکنان سازمان بهزیستی در کرمانشاه»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۳، ۹۷-۱۱۴.
- نگرش‌ها و ارزش‌های ایرانیان. (۱۳۸۰). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دفتر طرح‌های ملی).

- نگرش‌ها و ارزش‌های مردم کرمانشاه. (۱۳۸۰). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دفتر طرح‌های ملی).
نوربخش، مرتضی و اکبرپور، محمد (۱۳۹۴). «بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در جهت امنیت و احیای بافت فرسوده»، *فصلنامه انتظامی*، سال هفتم، شماره ۳، ۷-۳۰.
- ولکاک، مایکل و نارایان، دیپا. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، تندرستی و نابرابری، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. مترجمین: خاکباز، افشین، پویان، حسن، تهران: شیرازه.
- Portes, A. (1998). "Social capital: its origins and applications in modern sociology". *Annual Review of Sociology*, Vol. 24, 1-24.
- Putnam, R (2000). *Bowling Alone: The collapse and revival of American community*. New York, Touchstone.